

صاحب بالاترین زیبایی

یکی از آیات کلیدی قرآن در سوره آل عمران وجود دارد که می‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»، هرگز به نیکی نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید، انفاق کنید و از هرچه انفاق کنید، قطعاً خدا بدان داناست»(آل عمران: ۹۲).

رسیدن به خوبی‌ها و زیبایی‌ها در منطق قرآن متوقف بر آن است که ما از آنچه دوست داریم، در راه خدا خرج کنیم و دست برداریم؛ مثل کسی که می‌خواهد به رتبه‌های بالای علمی دست پیدا کند و از خواب و خوراک و راحتی خودش می‌زند و تلاش می‌کند تا بتواند به آن مدارج بالا و مقام‌های عالی دست پیدا کند. در این راستا کسانی که به این نیکی‌ها در جامعه اسلامی می‌رسند، متفاوت هستند و با توجه به تلاش و آنچه از دارایی‌های خود در راه خدا خرج کرده‌اند، در درجه‌های گوناگونی قرار دارند. در حدیث شریفی از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است: «فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ»، بالای نیکی هر نیکوکاری نیکی است تا آنکه انسان در راه خدا کشته شود و چون در راه خدا کشته شد، دیگر بالای آن نیکی (و عملی بهتر) نیست، بالاترین دارایی انسان جان اوست و کسانی هستند که حاضر می‌شوند این دارایی عظیم را هم در راه خداوند و در مسیر کسب رضایت الهی بدهند و خرج کنند. این افراد شهدا هستند که از بالاترین مقام در معارف دینی ما برخوردار هستند. حضرت سجاد(ع) می‌فرمایند: «برای شهید هفت خصلت و امتیاز است:

۱- اولین قطره خونی که از بدنش جاری شود، همه گناهانش آمرزیده می‌شود.
۲- همسران بهشتی‌اش سرش را به دامن می‌گیرند و غبار از چهره‌اش پاک می‌کنند و به او می‌گویند: آفرین بر تو باد.
۳- از لباس‌های بهشتی می‌پوشد.
۴- خزانه‌داران بهشت در استقبال او با عطرها‌ی مینویی و بوی‌های خوش بایکدیگر مسابقه می‌گذارند تا از دست کدام، گل‌های بهشتی را بگیرد.
۵- منزل و مکانش را در بهشت مشاهده می‌کند.
۶- به روان پاکش می‌گویند در هر جای بهشت که می‌خواهی استراحت کن.
۷- به چهره عظمت حق تعالی نگاه می‌کند و آن برای پیامبر و شهیدان سبب آرامش و راحت است»(وسائل الشیعه؛ ج ۱، ص ۹). بر اساس این روایت پرده‌ها برای شهید کنار می‌رود و او مقامش را در بهشت می‌بیند. زیرا او از همه دنیا و زندگی دنیا به‌خاطر خداوند دست کشیده است و لیاقت بهترین نعمت‌های او را پیدا می‌کند. همچنین یکی از مقام‌های مهم آخرتی که مقام شفاعت است، برای شهدا ذکر شده است. پیامبر اکرم(ص) در این باره فرمودند: «يُشْفَعُ الشَّهِيدُ فِي سَبْعِينَ مَنَ أَهْلِهِ»، «شهید هفتاد نفر از بستگانش را شفاعت می‌کند»(کنز العمال؛ ج ۴، ص ۴۰۱). چقدر مناسب است که با این مقام شفاعت در بیان خود شهید آشنا شویم. در توضیح مقام شفاعت شهید، شهید بزرگوار حاج‌قاسم سلیمانی در یک سخنرانی، نکته زیبایی را نقل می‌فرمود که هرکدام از ما با چهره‌هایی آن طرف از دوستان خودمان در آن دنیا گره خورده‌ایم که آرزو داریم دست ما را بگیرند و ما را شفاعت کنند، اینکه در آن دنیا ما را بشناسند. اما این شناختن در آن دنیا قواعد خاص خودش را دارد. شناختن کسانی که شفاعت می‌کنند، به اسم نیست، بلکه به اعمال ماست، که اگر اعمال ما شبیه آن‌ها باشد و پیرو آن‌ها باشیم، شفاعت آن‌ها شامل حال ما می‌شود، وگرنه اگر اهل گناه باشیم، همین عمل بین ما و آن‌ها جدایی خواهد انداخت و حتی خدای نکرده از ما منجز می‌شوند. از خداوند بزرگ می‌خواهیم که همه ما را با شهدای عزیز محشور کند و مقام شهید و شفاعت شهیدان را شامل حال ما قرار بدهد، ان‌شاءا...».

بیرس و بدان

حکم خنده و تبسم در نماز

در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید با ارسال پیامک پرسش‌های خود به شماره ۰۷۲۸۹-۳۰۰ با ما در ارتباط باشید.

● اگر کسی هنگام نماز به‌خاطر یادآوری حرف خنده‌دار یا پیدایش حالت خنده‌آوری بخندد، نمازش باطل می‌شود؟ اگر برای جلوگیری از خنده حالت صورت تغییر کند، نماز درست است؟

● آیت...العظمی خامنه‌ای:

اگر خنده با صدا (یعنی قهقهه) باشد، نماز باطل است.

● حضرت آیت‌ا...العظمی مکارم‌شیرازی:

خنده عمدی و باصدا نماز را باطل می‌کند و همچنین خنده‌ای که در آن بی‌اختیار باشد، اما تبسم و لبخند نماز را باطل نمی‌کند. هرچند عمدی باشد. و نیز خنده سهوی به گمان اینکه در حال نماز نیست، موجب باطل شدن نماز نمی‌شود.

هرگاه برای جلوگیری از صدای خنده به خود فشار آورد، به‌طوری‌که حالش تغییر کند و رنگش سرخ شود و بدن تکان بخورد، به‌طوری‌که از شکل نمازگزار بیرون رود، نمازش باطل است، و اگر به این حد نرسد، اشکالی ندارد.

● حضرت آیت‌ا...العظمی صافی گلپایگانی:

از مبطلات نماز خنده باصدا و عمدی است، و چنانچه سهوا هم با صدا بخندد، به‌طوری‌که صورت نماز از بین برود، نماز باطل است، ولی لبخند نماز را باطل نمی‌کند. اگر برای جلوگیری از صدای خنده حالش تغییر کند، به‌حدی که از صورت نمازگزار خارج شود، نمازش باطل است.

● حضرت آیت‌ا...العظمی سیستانی:

از مبطلات نماز خنده با صدا و عمدی است، هرچند بدون اختیار باشد. اگر مقدماتش اختیار باشد، بلکه بنابر احتیاط هرچند هم مقدماتش اختیار نباشد، باز هم موجب باطل شدن نماز می‌شود، ولی اگر عمدا بی‌صدا یا سهوا با صدا بخندد، ظاهر این است که نمازش اشکال ندارد. اگر برای جلوگیری از صدای خنده حالش تغییر کند، مثلاً رنگش سرخ شود، احتیاط واجب آن است که نمازش را دوباره بخواند.

● حضرت آیت‌ا...العظمی بهجت:

از مبطلات نماز، عمدا قهقهه کردن (یعنی خندیدن شدید) است، ولی اگر سهوا یا از روی فراموشی قهقهه‌کرد، نمازش صحیح است و اگر کسی با صدا بخندد، ولی به حد قهقهه نرسد، در صورتی که مقدمه خندیدن به اختیار و توجه او بوده است، بنابر اظهر نمازش باطل است، وگرنه باطل بودن نماز، مطابق احتیاط است که نماز را تمام کند و بعد، از روی احتیاط دوباره اعاده نماید.

پی‌نوشت:

استفتائات آیت‌ا... خامنه‌ای، سؤال ۵۰۵.

توضیح المسائل آیت‌ا... مکارم‌شیرازی، مسئله ۱۰۳۱، ۱۰۳۲.

توضیح المسائل آیت‌ا... صافی گلپایگانی، مسئله ۱۱۶۰.

توضیح المسائل آیت‌ا... سیستانی، ذیل مسائل مبطلات نماز.

توضیح المسائل آیت‌ا... بهجت، ذیل مسئله ۳۳۵.

از بررسی برخورد امام هشتم(ع) با فرقه واقفیه بیاموزیم

سیره امام‌رضا(ع) در رویارویی با فتنه‌ها

آمنه مستقیمی | شهرت امام‌رضا(ع) به عالم‌آل محمد(ص) دلایل و فلسفه‌های زیادی دارد که پاسخ به شبهات و حضور مؤثر و آزاداندیشانه در مناظرات ازجمله آن‌هاست؛ چنان‌که آن حضرت در عصری که فرقه‌های مختلف مجال جولان یافتند و مأمون به اسم علم‌دوستی اما با باطن اهل بیت‌ستیزی فلسفه و علوم ملل و ادیان را وارد مرزهای اسلام می‌کرد، با چنان قدرت و صلابت و پرهیز از تعصب و جمود، علم تبیین به دست گرفتند و پاسخگوی شبهات و سؤالات شدند که حتی برای بزرگان ادیان و مکاتب راهی جز اعتراف به علم‌بی‌مثال آن حضرت باقی نماند. از این رو، مروری داریم بر برخی جلوه‌های این پاسخگویی و مبارزه کلامی در سیره امام‌زنوف(ع).

امام‌رضا(ع) با چه مسائلی روبه‌رو بودند

امام‌رضا(ع) در عصر خود با دیدگاه‌های کلامی انحرافی روبه‌رو بودند، مباحث مربوط به توحید، به‌ویژه بحث صفات خدا، ازجمله صفت عدل که ارتباط مستقیمی با موضوع جبر و اختیار داشت.

فرقه اهل حدیث با تکیه بر ظاهر آیات و روایاتی که دال بر تشبیه بود، خداوند و صفاتش را به شکل انسان تصویر می‌کردند و برای خداوند چشم و دست و پا و... قائل بودند.

از دیگر مباحث کلامی می‌توان به مسئله رؤیت خداوند، اثبات دست برای خداوند و بخشوده‌نشدن گناهان کبیره اشاره کرد.

پس از شهادت امام موسی کاظم(ع) در سال ۱۸۳ قمری، عواملی دست‌به‌دست‌هم داد تا عده‌ای ایشان را آخرین امام و حضرت مهدی(عج) بدانند و بر این اساس، بر ایشان توقف کنند و امامت امام‌رضا(ع) و دیگر امامان معصوم(ع) پس از ایشان را نپذیرند.

مختصات و شرح فتنه واقفیه

پیروان واقفیه امامت راتا امام موسی کاظم(ع) قبول داشتند و از اعتراف به امامت امام‌رضا(ع) سر باز زدند و معتقد بودند که امام کاظم(ع) همان مهدی موعود است که در غیبت به سر می‌برد و رجعت خواهد کرد.

توقف کنندگان بر امام موسی بن جعفر(ع) به گروه‌هایی تقسیم شدند که در مواردی مانند چگونگی رحلت و غیبت و ظهور و قیام آن امام با هم اختلاف داشتند.

مسئله توقف بر امام کاظم(ع) راعده‌ای از اصحاب برجسته و وکلای آن حضرت ترویج می‌کردند و با توجه به این امر، مشکلات فراوانی را برای جامعه شیعه به‌وجود آوردند.

تفسیر و برداشت نادرست و اشتباه یا به‌عبارت دیگر کج‌فهمی از روایات، یکی از فعالیت‌های این گروه بوده است.

نحوه برخورد امام‌رضا(ع) با فتنه واقفیه

غیبت‌های طولانی امام موسی کاظم(ع) به علت زندانی‌شدن‌های پی‌درپی ایشان در اواخر عمر و سرانجام شهادت امام در زندان بود که این همه، یاریگر واقفیان در تعبیرشان شده بود (صفری‌فروشانی، ۱۳۸۸: ۱۲-۱۳).

برخی شیعیان گمان کردند که امام کاظم(ع) همان مهدی موعود هستند. از این رو شهادت و رحلت ایشان را پیش از تشکیل حکومت آرمانی و براندازی ظلم و جور، منتفی دانستند و به غیبت و سپس رجعت و قیام ایشان معتقد شدند.

از دیگر علل انحراف برخی شیعیان پس از شهادت امام کاظم(ع)، فعالیت‌های گسترده سیاسی امام کاظم(ع) در راستای تشکیل‌اتی کردن شیعه و در نتیجه سوءبرداشت برخی شیعیان از این فعالیت‌ها بوده است.

عامل برجسته دیگر انگیزه‌های مادی و مالی است. این گرایش افراطی به دنیا و دنیا‌دوستی موجب شد که حتی عده‌ای از بزرگان اصحاب امام کاظم(ع) به انحراف کشیده شوند و انشقاقی بزرگ در جامعه شیعه را به وجود آورند.

پاسخگویی به شبهات در مباحثه و نامه‌نگاری

امام‌رضا(ع) در دوران حضور در مدینه به پاسخگویی و مبارزه با فرقه واقفیه پرداختند.

ایشان در مسیر هجرت از مدینه به مرو و نیز در مرو این مبارزه را ادامه دادند. نقل است در مسیر، شخصی به نام جعفر بن محمد نوفلی شبهه واقفیه مبنی بر زنده‌بودن امام کاظم(ع) را بیان کرد و امام‌رضا(ع) پس از دروغگو نامیدن و لعن آن‌ها، به ارائه پاسخ پرداختند (طبرسی، ۱۴۱۷: ۵۹/۲).

حضرت در پاسخ نامه علی بن عبدا... زبیری که از واقفیه سؤال کرده بود، نوشتند: واقفی ستیزه‌گر و معاند حق و پایدار بر گناه است و اگر واقفی با این عقیده بمیرد، جایگاهش جهنم است و جهنم بد جایگاهی است (طبرسی، ۱۲۰۴: ۷۵۵-۷۵۶).

دفاعیات از امامت و مهدویت

شخصی از امام‌رضا(ع) درباره پدر ایشان پرسید و آن حضرت در جواب فرمودند: پدرم همانند پدرانم از دنیا رفته است. آن شخص پس از شنیدن پاسخ امام، گفت: پس با این حدیثی که زرعۀ بن محمد حضرمی از سماعۀ بن مهران از امام صادق(ع) نقل کرده است، چه کنم؟ و آن حدیث چنین است که امام صادق(ع) فرمود: همانا این فرزندم (امام کاظم(ع)) به پنج تن از پیامبران شباهت دارد، بر او حسد ورزیده شد همان‌طور که بر یوسف حسد ورزیده شد، و غایب می‌شود همان‌طور که یونس غایب شد و... امام‌رضا(ع) در پاسخ فرمودند: زرعه دروغ گفته است، حدیث سماعه این‌گونه نیست. امام صادق(ع) فرمود: صاحب این امر، یعنی قائم(عج)، به پنج تن از پیامبران شباهت دارد و نفرمود: فرزندم (طبرسی، ۱۲۰۴: ۷۷۲/۲).

فلسفه پذیرش ولایتعهدی

امام‌رضا(ع) در پاسخ به شبهاتی که در موضوع ولایتعهدی ایشان مطرح شد نیز پاسخ‌های منطقی و مستدل داشتند. شخصی به نام محمد بن عرقه از ایشان پرسید: ای فرزند رسول خدا(ص)! چه امری سبب شد تا شما در ولایتعهدی داخل شوید؟ حضرت در پاسخ فرمودند: آنچه سبب شد جدم امیرالمؤمنین(ع) داخل بر سورا (تعیین خلیفه سوم) شود (عوامل‌العلوم، ج ۲۲، ص ۲۸۵).

طبق روایت مشروحی که قطب راوندی در کتاب «الخرائج، آورده است، هنگامی که آتش فتنه در بصره بالا گرفت و فرقه‌های مختلف و مکتب‌های گوناگون آنجا را پایگاه فعالیت خود قرار دادند، امام‌رضا(ع) برای خاموش کردن آتش فتنه به بصره رفتند و علمای بزرگ مسیحی و یهودی و کسان دیگر را دعوت کردند. سپس فصول مختلف انجیل و بشاراتی را که درباره پیامبر اسلام(ص) در آن آمده است، تا بشارات اسفار مختلف تورات و زبور، همه را برشمردند. سپس به مردم مسلمان که در آن مجلس حضور داشتند، رو کردند و در بخشی از سخنانشان چنین فرمودند: ای مردم، آیا کسی که با مخالفانش به آیین و کتاب شریعت خود آن‌ها احتجاج و استدلال کند، از همه باانصاف‌تر نیست؟ عرض کردند: چرا (مناظرات تاریخی امام‌رضا(ع) با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر، صص ۹۲ و ۹۳).



از آثار موجود در باره این فتنه

📖 مقاله «دودستگی در شیعیان امام کاظم(ع) و پیدایش فرقه واقفیه، علی بیوکا

📖 پایان‌نامه سید جلال امام، با عنوان «بررسی زمینه‌ها و عوامل پیدایش اندیشه توقف بر امامان شیعه،

📖 مقاله «فرقه‌های درون شیعی دوران امامت امام‌رضا(ع) (با تکیه بر فطحیه و واقفیه)، از نعمت... صفری‌فروشانی

📖 مقاله «واقفیه، از حسن حسین‌زاده‌شانه‌چی

📖 کتاب «الحیة السیاسة للإمام الرضا(ع)»، از جعفر مرتضی حسینی‌عاملی

📖 کتاب «الواقفیه دراسة تحليلية، از ریاض محمد حبیب الناصری